

نگاه

پازل ناامیدکننده زنان وزیر



آمده شیر افکن

● این روزها گمانه‌زنی‌های مرتبط با انتصاب وزیران زن در کابینه دوازدهم، نقل مجالس است. یکی نقد می‌کند و دیگری بر حضور زنان وزیر در کابینه تاکید می‌ورزد؛ اما ماجرا جایی ناامیدکننده به نظر می‌رسد که ببینیم وقتی پای عمل می‌رسد، نام چه زنانی روی میز می‌آیند و تاکیدها روی چه نام‌هایی است. به استاد گزارش پنجشنبه ۲۲ تیر، اسامی تعدادی از زنان برای وزارتخانه‌های مختلف مطرح است؛ اما نکته ناامیدکننده اینجاست که چرخه تولید مدیران زن، تا چه میزان از تکرار نام‌های همیشگی با تکیه بر زنان منتسب به مردان سیاست، فاصله گرفته است.

تاکید روی این نام‌ها از دو جهت ناامیدکننده است؛ یکی اینکه در این گزارش و گزارش‌های مشابه، شاهد تنوع اسامی و پست‌ها و موقعیت زنان نیستیم. متناسفانه بیش از یک دهه است که زنان اصلاح‌طلب به شماری از زنان در حلقه‌های مشخص محدود شده و کمتر نام‌های جدید مطرح می‌شوند. این مسئله بدون تردید در برخی محدودیت‌ها و فشارها به‌ویژه در دولت فخیمه محمود احمدی‌نژاد ریشه دارد؛ اما تبعات کوچک‌کردن دایره فرصت‌ها، به سربازی جز این ختم نمی‌شود؛ سربازی که در آن یا باید نام برخی مدیران کنونی و شاخص تکرار شود یا به نام برخی زنان ختم شود که بیش از توانمندی خود، به واسطه نسبت فامیلی با مردان سیاست، مطرح شده‌اند و جالب اینکه در توضیح یک پاراگرافی برای آنها نیز خبرنگار ناگزیر است عروس فلانی بودن یا دختر فلان سیاست‌مدار یا مادر فلان چهره سیاسی را به مطلب بیفزاید. آفت تکرار اسامی زنانی که خود بیشینه موقعی در حوزه سیاست نداشته و صرفا بند نام‌ها و نشان‌های خانوادگی هستند، کم نیست، یکی اینکه زنی که با مردان سیاست نسبت فامیلی دارد، نمی‌تواند در اداره یک وزارتخانه مؤثر افتد و اتفاقا موجب می‌شود آقایان این سؤال را پیش‌روی زنان بگذارند که فرد مدنظر با کمترین تجربه‌ها، آیا می‌تواند از پس مدیریت یک وزارتخانه برآید؟

نقد مشخص‌تر این نوشته، این است که اگر در بزنگاه گمانه‌زنی در وزارتخانه، دوباره بخواهیم بر پتانسیل همان مدیران سابق تمرکز شویم؛ یعنی در چهار سال گذشته، هیچ نام و نشان جدیدی تولید نکرده‌ایم. چند ماهی می‌شود که در جمع زنان، خبر از برنامه‌های منسجم برای شناسایی چهره‌های جدید به گوش می‌رسد؛ حالا باید این سؤال را واضح‌تر از همیشه پرسید که کدام چهره جدید از میان زنان صنعتگر، پژوهشگر، سیاستمدار، مدیر و مجری، به جمع فهرست همیشگی و محدود زنان اضافه شده است؟ آیا زنان نماینده مجلس، زنان اصلاح‌طلب و دیگر گروه‌های فکری، بنا دارند اسامی را تا روزهای نهایی منتهی به تعیین کابینه، در پستو بگذارند یا اینکه به واقع چنته‌شان خالی از اسامی کلیدی است؟
اینها گذشته، وقتی نام‌هایی اینچنین - نام‌های ضعیفی که تعجب هر مخاطب را برمی‌انگیزانند و در قد و قواره وزارتخانه نمی‌گنجد- در رسانه‌ها به عنوان گزینه‌های وزارت زنان مطرح می‌شود، این‌موضوع به ذهن متبادر می‌شود که گویا برخی اتاق‌های «به اصطلاح فکر»، در پی مطرح‌کردن برخی نام‌ها هستند، توصیه نگارنده به چنین اتاق‌های فکری که می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند، این است که بداند و آگاه باشند چنین سیاستی در کلان قضیه به ضرر جامعه زنان تمام خواهد شد.

علاوه بر آنچه در این متن به آن اشاره شد، یکی از دلایل نگر-نبودن حضور زنان در دایره قدرت سیاسی و اجتماعی، خط قرمزهای فراوانی است که زنان خواهان ورود به سیاست با آن مواجه‌اند؛ آنچه به‌سادگی گریبان مینو خالقی، منتخب مردم اصفهان را گرفت. به‌سادگی فتوشاپ‌کاری و ترف ریتختن زندگی خصوصی آدم‌ها می‌تواند به توقف حضور زنان در سیاست منتهی شود؛ حتی جایی که آن زن، صدها هزار رأی از شهروندان ایرانی گرفته باشد. مایه تاسف اینکه پس از چهار دهه از پیروزی انقلاب، در دو اردوگاه اصولگرایی و اصلاح‌طلبان تنها می‌توان روی نام‌های معدودی از زنان به توافق رسید. با مدیران و ساختار سیاسی معیوب مانع از رشد زنان شده یا در نهادهای فکری و سیاسی، یویایی لازم برای فعالیت سازماندهی‌شده در راستای تربیت زنان مدیر موفق، وجود نداشته است.

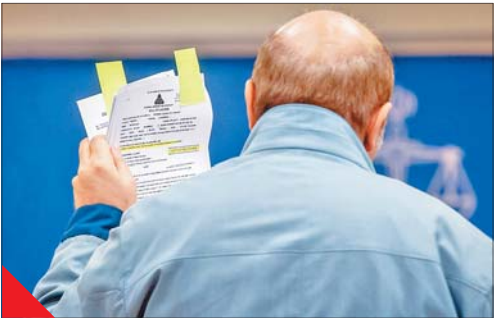
امید که مردان و زنان اصلاح‌طلب و اهل اعتدال در پایان چهار سال بعدی بتوانند سرشان را بالا گرفته و از نام‌های جدید بگویند و از تلاش برای افزایش حضور زنان در پهنه سیاست.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

متهم ردیف دوم پرونده نفتی در سومین جلسه دادگاه خبر داد

همکاری زنجانی با قرارگاه خاتم و شهرداری



شرکت «فال» وضعیت خوبی نداشت اما شمس به من اطمینان داد و گفت خیالت راحت باشد، وضعیت این شرکت خوب است. آنجا دفتر گرفتیم و نیرو استخدام کردیم و شمس نفت را آنجا به فروش رساند.

● **م.ش:** در آن جلسه من و فلاح بودیم. اینها برای کار بانکی خود آمده بودند و زنجانی دروغ می‌گوید؛ زنجانی با انصاری صحبت کرد و از جلسه که بیرون آمد، گفت که اینها قابل‌اعتماد هستند. من فقط امکان‌سنجی کردم. جلسه مازنی مربوط به سال ۹۰ یا ۹۰ است و آن موقع اصلا نفتی در کار نبود. یکی از ایرادات اصلی من این است که بیش از وظیفه، خودم را درگیر کردم و بقیه خود را کنار کشیدند. از زمان بازداشت زنجانی برای کمک به کشور، پنج‌بار به ایران آمدم و چهار بار با مسئولان نفتی جلسه برگزار و فراتر از وظایف خود عمل کردم؛ گزارش‌هایی درباره «اونر ایر» و «فال» داد.

● **قاضی:** در جلسه مازنی اصلا بحث هوابیما مطرح نبوده و تصمیم به انتقال نفت داشتید

● **م.ش:** خواستار رودررکردن خودم با بابک زنجانی هستم و این اظهارات کذب است. در برنامه فروشنده و خریدار و کسی که تحویل می‌گیرد، وجود دارد. در اینجا فروشنده، بخش بین‌الملل نفت است و خریداری ندارد و یکی از مشکلات این است که اصلا بارنامه‌ای در رابطه با این محموله‌ها وجود ندارد. در خیلی از موارد به‌ویژه این مورد خاص، پیش می‌آید که برگه‌ای را به‌عنوان رسید می‌دهند، زیرا شرکت نفت بارنامه‌ها را در خزانه نگهداری می‌کند و اگر بارنامه تحویل بدهد، امکان دارد توقیف شود. تمام بارها خارج از بندر و کمرک تحویل داده شده است. برای اینکه مالکیت کالا احراز شود، رسید انبار گرفتیم، تا مشخص شود مالکیت مربوط به شرکت ایزو است، مسئولیت حمل و هزینه برعهده شرکت خریدار است و من به‌عنوان کارگزار این زنجیره را با هم هماهنگ می‌کردم. جرم من در انگلیس قاچاقچی دوزنن تحریم است در آنجا نفت را قاچاق می‌دانند.

● **قاضی:** شما بابک زنجانی را به مسئولان امین نظام معرفی کردید که واقعیت او چیز دیگری بوده است.

● **م.ش:** افرادی امین، زنجانی را به من معرفی کردند و تاکید شده که برای شکستن تابوی تحریم وارد میدان می‌شویم. اعتبارات نجومی که شرکت ملی نفت داده، مقدم بر کارهای نفتی بوده و از فروردین این اعتبارات داده شده در صورتی که من از مردادماه وارد کار شد.

● **قاضی:** اینکه می‌گویید افراد امین زنجانی را به شما معرفی کردند، درست نیست؛ شما قبل از بابک با وحیددستجردی آشنا بودید.

● **م.ش:** این آشنایی مرتبط با برخی مسائل نظام و محرمانه است. من معاون بازرگانی کشتی‌رانی جمهوری اسلامی بوم. اصلا از مسائل قبلی زنجانی و اینکه شناسنامه‌اش را تغییر داده اطلاع نداشتم. آقای «ی»، معاون وقت وزیر اطلاعات، هم گفت که زنجانی فردی مورد اعتماد و

پس از کش‌وقوس فراوان

ماده واحده طرح تخفیف مجازات اعدام تصویب شد

محمود صادقی، عضو کمیسیون قضائی مجلس، نیز در همین زمینه گفته «اراجع مجدد طرح کاهش مجازات اعدام به کمیسیون قضائی فاقد توجیه است». پاسخ مسعود پزشکیان، نایب‌رئیس مجلس به انتقاد صادقی این است «رئیس جلسه قانونا اجازه ارجاع طرح به نفع مسافرین از آمار اعدام‌ها کاسته و روش‌های دیگری را جایگزین اعدام قاچاقچیان مواد مخدر کنند».

موفقان و مخالفان این طرح زیادند. با وجود آنکه هر بار رفت‌وآمد طرح از صحن علنی به کمیسیون مربوطه با مرگ و زندگی برخی افرادی بیوند خورده که این روزها در صف اعدام قرار گرفته‌اند؛ اما باید دید در نهایت مخالفان طرح تا کجا به کارشان ادامه خواهند داد.

دیروز کلیات طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب شد و باین‌حال نقدهای موجود سبب شد تا طرح کماکان برای بررسی‌های بیشتر به کمیسیون قضائی مجلس دهم بازگردانده شود. آنچه حالا کله حجت‌الاسلام حسن توروژی، سخنگوی کمیسیون قضائی مجلس را در دنبال داشته؛ «مهم این است که کلیات طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر تصویب شد؛ اما جزئیاتی از طرح به خاطر اعتراض برخی به‌ویژه کمیسیون امنیت ملی به کمیسیون بازگردانده شد. همین سه‌شنبه از آنها دعوت کردیم که بایند و نقدها را بگویند. این سه‌شنبه نماینده قوه هم مهمان جلسه خواهد بود. آنها هم مخالفت ضمنی داشتند و دوباره باید به کمیسیون بایند. ما معتقدیم مبارزه با مواد مخدر باید کلاسیک، علمی و فنی باشد. نباید وزنی و کیلویی مبارزه با مرتکبان جرم در حوزه مواد مخدر برخورد کرد، اینکه یک کیلو از یکی گرفته‌ایم و بخواهیم اعدامش کنیم، درست نیست. باید دنبال قاچاقچی اصلی باشیم، کسی که روی اعتیاد و به‌کارگیری کودگان در قاچاق سرمایه‌گذاری می‌کند؛ کسی که پیش‌تر محکومیت زندان ۱۵ساله داشته یا روی نیروهای ما مسلحه می‌کشد. باید روی مواد مخدر کار عالمانه و دارای راهبردی و درایت انجام دهیم».

این‌طور اعدام‌ها تنها خسران است

نوروژی همچنین به «شرق» «ما خودمان قاضی هستیم. حقوق‌دانیم. دانشکده حقوق درس خوانده‌ایم و میز قضاوت دیده‌ایم. به‌همین‌خاطر حسب تجربه و مطالعه معتقدیم اعدام به این معنا چیزی جز خسران نخواهد بود».
الهار ملکشاهی، رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، نیز به ایسنا گفته «طرح کاهش مجازات اعدام محکومان مواد مخدر روز چهارشنبه همین هفته دوباره در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت».

متهم ردیف دوم پرونده نفتی در سومین جلسه دادگاه خبر داد

همکاری زنجانی با قرارگاه خاتم و شهرداری

محل نفوذ تحریم‌هاست. فلاح فرد امینی است و من هنوز پشت‌سر او نماز می‌خوانم.

● **قاضی:** اظهارات شما برعکس است و شما بابک زنجانی را به‌گونه‌ای دیگر نزد مسئولان نظام جلوه داده‌اید.

● **م.ش:** شما گفتید هر کسی که به زنجانی کمک کرده، شریک است بنابراین باید آن چهار وزیر که نامه را امضا کردند و بقیه افراد هم شریک جرم زنجانی محسوب شوند. مؤسسه «ای.سی.تی. بنکرز» و «اف. آی.آی.بی» با بانک‌های کارگزار در ایران کار می‌کردند و تاییده وزارت اطلاعات و بانک مرکزی را داشته‌اند و حتی چهار وزیر هم نامه زده بودند.

● **قاضی:** شما و فلاح این دو بانک را به‌گونه‌ای نزد مسئولان جلوه دادید که آمدند بانک ملت را هم شریک کردند. شما گفتید بابک کسی است که بانک ملت هم شریک است و آقای دستجردی در اظهارات خود گفته که شمس، زنجانی را معرفی کرده است؛ آیا شما در فروش نفت به زنجانی نقش داشتید یا نه؟

● **م.ش:** نمی‌گویم نقش نداشتم، اما آن نقشی که مدنظر شماست ندارم و فروش نفت از طریق دستجردی هشت محموله بعدتر بوده است. احساس می‌کنم شما ذهنیت خوبی درباره ما ندارید و از قبل محکوم هستیم. مگر معرفی جرم است؟ همه کارهای تجاری دنیا با همین معرفی انجام می‌شود. آقای دستجردی به‌عنوان یک مسئول در نظام باید امکان‌سنجی می‌کرد.

● **قاضی:** ما گفتیم نفت مملکت را به کسی دادند که تابعیت دوگانه دارد و می‌تواند برود و برنگردد که…

● **م.ش:** من که آمدم.

● **قاضی:** آمدنتان فایده‌ای ندارد، نفت و پول با هم رفته است و نمی‌گویید همه پول نفت کجاست. افراد مدنی بودند که قادر بودند بهتر از شما عمل کنند، اما شما و فلاح و زنجانی طوری عمل کردید که انکار کسی قادر به فروش نفت نیست.

نماینده داستان خطاب به متهم ردیف دوم گفت: چندروز قبل «م» در تحقیق و بازرجویی گفته است که شمس مکرر زنگ می‌زد که چه کاره هستی که این محموله به شرکت نفت برکردد؛ پس اگر شما نقش نداشتید چطور این حمله را به منفرد گفتید که این محموله برای زنجانی است و چرا می‌خواهی به شرکت نفت بازگردد. «س.ح» هم در اظهارات خود گفته که تمام محموله‌های نفتی را غیر از یک یا دو مورد به شخص مهدی شمس تحویل داده است.

● **«م.ش»:** زنجانی فردی سخنجور و سخنجوست و مسائل را با حالت بازاربایی مطرح می‌کند. از سال ۸۹ نیز با قرارگاه خاتم و شهرداری همکاری داشته و از سال ۹۱ نیز شریک بانک ملت بوده است. اساس کار بازاربایی

این است که طرف توانمندی‌های خود را بیشتر از آنچه هست نشان دهد و عرف هم هست. من به‌خاطر ضرورت‌یانش گفتم. می‌خواستم از بابت خیرخواهی کمک کنم. آقای «و – د» به من گفته بود زنجانی با وزیر دوستی دارد و اخیرا هم از طریق آقای فلاح مطلع شدم که در بحث خرید گوشت و مرغ نیز همکاری داشته است و آقای «ن.م» را هم فقط یک‌بار دیدم.

● **قاضی:** زنجانی می‌گویید مجری کارهای ما آقایان شمس و فلاح بوده‌اند.

● **م.ش:** اصلا چنین چیزی نیست و

ایمیل‌های زنجانی موجود است.

در این حین، قاضی مقیسه ادامه رسیدگی به این پرونده را به ۲۷ تیرماه موکول کرد.

ادامه از صفحه ۱۷

خروج آزاد برای همه زنان

خود این یک نمونه تسهیلگری است که متقاضی به جای حضور در وزارت کشور برای حل مشکل به دادستانی می‌رود و مشکلسر را حل می‌کند. درعین‌حال مصادیقی که برای خروج زنان مشخص کرده‌ایم، حکم قانونی مشخصی دارد و این مسئله را برای خروج این زنان با مشکلات خاص حل می‌کند».
سلحشوری در پاسخ به این سؤال که آیا به‌صورت شخصی دلش نمی‌خواهد که زنان نیز همانند مردان برای خروج از کشور نیازمند اذن کسی نباشند و اگر پاسخش مثبت است، چرا برای این کار تلاش نمی‌کند نیز گفت: «قطعاً دلم می‌خواست این اتفاق پیش می‌آمد. من وقتی خودم راضی نیستم و بارها درباره این‌ماده واحده صحبت کرده‌ام، طبیعتا از این تعییش ناراضا‌م. مگر مردان برای خروج اجازه می‌گیرند که زنان بگیرند؟ برای ورود به این مسئله مشکلات زیادی وجود داشته، ولی ما با ظرافت و به‌آهستگی قدم می‌داریم. اینها همه قوانین مدنی هستند و روشن‌کار می‌شود. از طرفی ما یک جامعه زنان پیشرو داریم و از طرف دیگر به اندازه همین زنان افرادی داریم که علیه ما حرکت می‌کنند، ما حتی اگر ذره‌ای ماجرابیمان را پیش ببریم، موفقیم. خاصی در جامعه آهسته جلورفتی است. رفتارهای انقلابی تند در کشور جواب نمی‌دهد و در مقابلمان می‌ایستند». رئیس فراسکسیون زنان مجلس شورای اسلامی، همچنین درباره اعطای تابعیت به فرزند مریم میرزاخانی و پیداکردن راه‌حلی برای زنانی که با مردان غیرایرانی ازدواج کرده‌اند گفت: «این ماجرا بهانه خوبی برای ما شد که بتوانیم زودتر طرح تابعیت را تقدیم کنیم و در تلاشیم که تابعیت از مادر به فرزندان برسد و این طرح در کمیسیون تصویب شد». زنان زیادی چشم

امیدشان به رأی‌ها و قوانین جدید است. چه آنهایی که برای خروج مجبور می‌شوند از حقوق دیگرشان بگذرند، چه آنهایی که سال‌هاست با مردان غیرایرانی ازدواج کرده‌اند اما فرزندان‌شان نمی‌توانند ایرانی باشند. مثل مریم میرزاخانی. حالا همه در تلاش‌اند برای فرزندان تابعیت بگیرند. معلوم نیست تابعیت حالا چقدر برای آنهایتی کوچک سودمند است. حالا که مادرش نیست تا با هم یا به‌کشوری بگذراند که می‌توانست شیرین‌ترین خاطراتش را در آن رقم بزند. اما مشکل خیلی از افراد اینست که فرزند مرحوم میرزاخانی است. درباره کودکانی صحبت می‌کنیم که پدران‌شان پس از چند سال مادران و آنها را رها کرده‌اند و از ایران رفته‌اند. زنان با کودکان بی‌سرزمین باقی مانده‌اند. کودکانی که هیچ خاکی آنها را قبول نمی‌کند.

Alaedin.travel	عمده فروش خدمات گردشگری داخلی و خارجی
تورهای گروهی ایرانگردی	
تور سرزمین عشایر بختیاری	
تور کردستان اورامان	
تور تبریز کندوان جلفا	
تور سرعین اردبیل	
تور گنبد قابوس بندر ترکمن	تور شمال رامسر لاهیجان
تور ترکمن صحرا خالندبی	اکو تور ماسوله آستارا انزلی
تور یاسوج آبشار مارگون	تور همدان هگمتانه علیصدر
تور لرستان	تور زنجان تخت سلیمان
تور شیراز تخت جمشید پاسارگاد	تور اصفهان
تور بیستون طاق بستان کرمانشاه	تور ماسال قلعه‌رودخان ماسوله
تور سلیمان تنگه سورت چشمه سالاردره	تور خلخال اسالم نئور
تور بندر انزلی چمخاله لاهیجان	تور ارومیه، قره کلیسا
تور شمال کندلوس هتل‌هایت	تور محلات کلیایگان خوانسار اراک
تور قلعه بابک جنگل‌های ارسباران	تور بجنورد جنگل گلستان
تور جنگل ابر بسلام دامغان	تور معبد مهر مراغه
تور گچسار دیزین شهرستانک	
تورهای تهرانگردی یک‌روزه	تورهای یک‌روزه
تورهای کیش	تورهای مشهد
ساعات کاری شنبه تا چهارشنبه ۹ الی ۲۴	
پنجشنبه ۹ الی ۱۸	
جمعه و تعطیلات ۱۲ الی ۱۸	
چهار راه فرمانیه، برج آر تمیس فرمانیه	
۷۴۴۹۵ – ۰۰۲۱	